

متن پرسش

سلام استاد عزیز: کار او، اعجاز و وصف دین است / کار ما شکر، بس همین سنگین است / الا ای اهل عالم گوش باشید / غم در این میخانه بس شیرین است / حزن این ره، در پس آزادی است / اشک آن، غایت براین تقدیر است / ای شکسته بال و پر، گم کرده راه / ای که در زنجیر عصیان و گناه گرچه حتی غفلتی نبود تو را / راه حق، پیوسته میخواند تو را / میل تو باشد حجابی بر ره میخانه ات / این دوراهی مسیر، کرده است آواره ات / غم مخور ای جان من، چاره دست اوست / محو او شو با شهادت، هرچه هست اوست. این شعر رو در وصف حال خودم سرودم. ممنونم از راهنمایی های شما

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: باید به حقیقت نظر کرد که تنها افقِ راستینی است در مقابل ما و این که تا نفس داریم، نفس نفس زنان باید جلو رفت و مانند نفس کشیدن که انسان را زنده نگه می‌دارد تا همچنان نفس بکشد و حیات خود را ادامه دهد؛ راز اُنس با حقیقت نیز چنین است که همواره باید به سوی او توجه کرد و همچنان رفتن را ادامه داد در عین انتظار. موفق باشید